دونگ‌يي؛ وجدان بشريّت

10 مهر 1391

با چه حرص و وَلعي به مجموعه كُره‌اي «دونگ‌يي» نگاه مي‌كنيم. زنان و مردان جامعه ما چگونه مبهوت داستان جذاب و پركشش آن مي‌شوند؟! اگر دليل آن را در وضعيت پوشش و جلوه‌هاي بصري زندگي شاهانه آسيايي آن‌ها جستجو كنيم، فيلم‌ها و حتي انيميشن‌هايي از رسانه پخش شده است كه در اين زمينه جلوتر بوده است. حتي اگر نگاه بسته ضد آزادي و مستبدانه‌اي كه در سراسر اين مجموعه تلويزيوني ديده مي‌شود را به دليل انطباق با گذشته تاريخي اين اقليم در پذيرش اجتماعي آن دخيل بدانيم كه نوعي قشرسالاري و نظام طبقاتي و اشرافي‌گري را به نمايش در مي‌آورد، اين نمي‌تواند اسباب جذّابيت در كشوري مانند ايران باشد كه بيشتر ضدارزش تلقّي مي‌گردد تا ارزش.

پس اين استقبال از چه منظري قابل توجيه است؟!

همزادپنداري با تمامي شخصيت‌هاي قصه. جذاب‌ترين چيزي كه در اين مجموعه قابل توصيف است، داستان پرتنشي است كه با شخصيت‌پردازي قدرتمند خويش، توانسته همزادپنداري‌اي را كه در ساير مجموعه‌ها و نمايش‌هاي تلويزيوني يا سينمايي معمولاً با يك يا چند شخصيت برقرار مي‌شود، آن‌چنان تعميم دهد كه با -تقريباً- تمام شخصيت‌هاي اصلي همراه شود.

تمام ما انسان‌ها يك «امپراطور» در نفس خود داريم. امپراطوري كه در قلمرو انديشه ما حضور دارد و در وجود ما گسترده شده و رفتارهاي ما را كنترل مي‌كند. همه ما «وجدان» يا نفس لوّامه‌اي داريم كه پيوسته در تلاش است راه صحيح را ترويج كند و ما را به سمت و سوي درستي بكشاند. همه ما «قدرت‌طلبي» داريم كه نفس اماره بالسوء درون ما محسوب مي‌شود و از خودخواهي، تكبّر و غرور ما سرچشمه مي‌گيرد. همه ما اطرافياني داريم كه با اعمال زشت خود ما را به سوي جهالت سوق مي‌دهند و در بدي‌ها ياري‌مان مي‌كنند و تشويق. آن‌جايي كه ما هم ديگران را به بدي دعوت مي‌كنيم، همزاد شخصيت‌هايي از اين قصه مي‌شويم، گاهي «مادر» مي‌شويم و دختر و پسر خود را به خاطر رسيدن به مطامع نفساني خود به زشتي سوق مي‌دهيم. گاهي «برادر» مي‌شويم و براي قدرت بيشتر خواهر خود را فريب مي‌دهيم. گاهي به عنوان يك «دوست» نقشي انحرافي بر عهده مي‌گيريم و رفيق ناباب مي‌شويم.

وقتي مجموعه «دونگ‌يي» را نگاه مي‌كنيم، ناخودآگاه تمامي خصلت‌ها و رفتارهاي روزمره خود را مي‌بينيم. خانواده خود را مي‌بينيم كه چگونه دستخوش تلاطم حوادث مي‌شود و به خاطر حسادت‌ها و قدرت‌طلبي‌ها دست به دست مي‌گردد و به تزلزل مي‌افتد. خانواده زن و اطرافيان شوهر را مي‌بينيم كه هر كدام چگونه براي دست‌يابي به قدرت بيشتر دندان تيز كرده‌اند. بهترين‌ها را مي‌بينيم كه چگونه در طوفان حوادث تغيير شخصيت مي‌دهند و از انسان به حيوان بدل مي‌گردند. وقتي مجموعه «دونگ‌يي» را مي‌بينيم، با درون خود مواجه مي‌شويم؛ با كش‌مكش‌هايي كه هر روز ما را در ترديدي سخت نگه مي‌دارند و از رسيدن به مقصد باز مي‌دارند.

مجموعه تلويزيوني «دونگ‌يي» نماي باز از يك انسان است كه براي سامان‌دادن به قواي روحي خود در تلاش است. شخصيت «دونگ‌يي» هم درمانگري است كه سمبل پاكي كودكانه همه ماست و هميشه همراه بوده و از نظر ما پنهان. اكنون كه آن را يافته‌ايم، امپراطور وجودمان به خاطر عشق به آن سلامت نفسي كه در كودكي داشته و لوح پاكي كه با اشتباهات ما لكه شده، سعي دارد اين وجدان را قدرت دهد و به مقامي رفيع برساند. مي‌خواهد به او اعتماد كند و از ناپاكي خودخواهي و قدرت‌طلبي رها گردد. راز پسند اجتماعي اين سريال در اين قدرت «انسان‌شناساننده» است.